



قابلیت های توسعه اقتصادی از دیدگاه صنعت در استان البرز

علی اصغر علیزاده^۱

راهنما: دکتر عاطفه دهقان توران پشته^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی راهکارهای توسعه صنعتی در استان البرز در زمینه های کشاورزی، صنایع و معادن، گردشگری و ارائه راهکارهای مناسب با توجه به نقاط قوت و ضعف صنعتی برای گسترش هریک از توسعه های اقتصادی نامبرده می باشد. روش مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی میباشد و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و بررسی اسناد و آمارنامه ها است و از رویکرد محتوایی جهت مرور اسناد و اطلاعات استفاده شده است. یافته ها نشان داده است که با توجه به راهکارهای ارائه شده در این مقاله، ظرفیت گسترش پذیری در صنعت استان البرز وجود دارد.

کلیدواژگان: توسعه اقتصادی، صنعت، کشاورزی، گردشگری، استان البرز.

1

^۱ . دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد غرب تهران
^۲ . استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد غرب تهران



مقدمه

امروزه دستیابی به رشد و توسعه پایدار یکی از مباحث عمده کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. کشورهای در حال توسعه جهت جبران عقب‌افتادگی‌ها، فرار از فقر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره برای رسیدن به توسعه‌ای معتدل و همه‌جانبه که بتواند به بهبود وضع زندگی همه مردم منجر گردد، نیازمند شناخت صحیح از پتانسیل‌ها، توان‌ها و محدودیت‌ها در تمامی زمینه‌ها و مناطق خود است (تقدیسی و حجاریان، ۱۳۹۵: ۳۳). تفاوت در سطوح برخورداری مناطق همواره تحت تأثیر توان‌های محیطی، روحیه کار و تلاش، ویژگی‌ها و گسست‌های تاریخی، درجه مدرنیت و شهرنشینی، ایدئولوژی و ارزش‌های حاکم و غیره بوده است (صادقی و سعیدی، ۱۳۹۴). در کشور و در بین مناطق مختلف آن نیز تحت تأثیر سابقه تاریخی و نیروهای خارجی، شرایط سیاسی و حکومتی تمرکزگرا، نفوذ و تأثیر شدید نخبگان ملی، تمرکز فزاینده فعالیت‌های اقتصادی در قطب‌ها و محورهایی خاص، حاکم بودن برنامه‌ریزی‌های متمرکز بخشی، عدم رویکرد مناسب به برنامه‌ریزی و توازن منطقه‌ای و غیره، شاهد دوگانگی در تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی، زیرساخت‌ها و امکانات و در نهایت تفاوت در سطوح برخورداری و توسعه‌یافتگی بین آن‌هاست. روندی که به دلیل عدم شناخت کافی از مزیت‌ها، پتانسیل‌ها، تنگناها و محدودیت‌های مناطق، نبود برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مناسب، گسترش‌یافته و معضلی عمده در راه تحقق آرمان‌های جامعه از جمله عدالت اجتماعی، تعالی انسانی و توسعه‌یافتگی پایدار به شمار می‌رود (اکبرزاده و دیگران، ۱۳۹۷). در این زمینه یکی از مهم‌ترین عواملی که دارای تأثیر و توان زیادی در تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مختلف و در نتیجه تسریع در روند رشد و توسعه است، بخش صنعت می‌باشد. چنان‌که صنعت یکی از عوامل اصلی مؤثر بر شهرنشینی و به طریق اولی بر نظام شهری هر منطقه‌ای محسوب می‌شود، این تأثیر به ویژه در مراحل گذر به توسعه‌یافتگی و اقتصاد بازار از اهمیت مهم‌تری برخوردار است. فضا در این فرایند به شدت تحت تأثیر صنعتی شدن قرار می‌گیرد و بازار توزیع جغرافیایی جمعیت بازتابی از این فرایند تلقی می‌شود (بختیاری و صادقی، ۱۳۹۲: ۵۹). ارزش و اهمیت مقاله نیز از این جهت است که طبق آمارهای مرکز آمار ایران بالغ بر ۷۱/۴ درصد از جمعیت کشور در حال حاضر در مناطق شهری ساکن هستند که در مقایسه با رقم ۳۲ درصدی سال ۱۳۳۵ رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد، لذا رونق تولید در این مناطق در راستای ایجاد اشتغال مولد و پایدار و همچنین ایجاد درآمد برای خانوارها ضرورتی انکارناپذیر است. اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که به محدودیت‌های توسعه کمی کشاورزی در محدوده‌های شهری به دلیل محدودیت‌های کمی و کیفی منابع آب و خاک و نیز محدودیت‌های خاص فعالیت‌های خدماتی توجه کافی مبذول گردد. رشد روزافزون جمعیت شهری و توان بالای اشتغال‌زایی بخش صنعت و به طور مشخص صنایع کارخانه‌ای در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از عمده دلایل توجیهی و ضرورت انجام این مطالعه محسوب می‌گردد.



مبانی نظری

تاکنون نظریات فراوانی در خصوص توسعه اقتصادی ارائه شده است که برخی از این نظریات به شرح زیر ارائه میگردد:

به موازات رشد نسبتاً سریع اقتصادی، به تدریج عدم تعادل های منطقه ای به عنوان یکی از ویژگی های کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه خودنمایی کردند؛ تعداد کمی از مناطق برخوردار از رشد و توسعه یافته، و تعداد زیادی از آنها محروم از رشد و یا به تعبیر دیگر توسعه نیافته باقی ماندند. در واقع، نتایج حاصل از رشد و توسعه اقتصادی به شکلی نابرابر بین مناطق مختلف کشورها توزیع گردید که مشکلات زیادی را برای آنها به دنبال داشت. در همین دوران، دیدگاه ها و نظریات متفاوتی از سوی اقتصاددانان و به ویژه صاحب نظران توسعه ارائه گردید.

به طور کلی نظریه های ارائه شده درباره ی دستیابی به توسعه اقتصادی را می توان به دو گروه عمده ی، نظریه رشد نامتعادل^۳ و نظریه رشد متعادل^۴ تقسیم کرد:

الف) پرو،^۵ هیرشمن،^۶ سینگر،^۷ کیندلبرگر،^۸ استریتین^۹ و روستو^{۱۰} از پیروان رشد نامتعادل هستند که در آن نظریه قطب رشد پویا، متجلی می شود.

نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی آثار تمرکز^{۱۱} و دیگری آثار بخش^{۱۲}.

بر پایه این نظریه، رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی افتد بلکه در نقاط یا قطب های توسعه اتفاق می افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند (اثر تمرکز). این نقاط، توسعه را در کانال هایی پخش می کنند که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد (کلانتری، ۱۳۹۰: ۴۵).

ب) طرفداران نظریه قطب رشد معتقدند که گسترش شهرها منجر به توسعه اجتماعی - اقتصادی روستاها میگردد و در نتیجه باید به دنبال گسترش و رشد صنایع در شهرهای بزرگ بود.

میردال، هاریسن، دویر، دان فورد و میسرا^{۱۳} معتقدند که نظریه قطب رشد نتوانسته است نابرابری و عقب ماندگی بین مناطق مختلف را در کشورهای توسعه نیافته از بین ببرد، بلکه باعث تشدید نابرابری منطقه ای شده است و لذا الگوی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته نمی باشد (قره باغیان، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

مطالعات تجربی زیر مؤید انتقادات وارد بر نظریه قطب رشد می باشد:

³ . unbalances growth theory

⁴ . balanced growth theory

⁵ . Perroux

⁶ . Hirschman

⁷ . Singer

⁸ . Kindleberger

⁹ . Streeten

¹ . Rostow

0

¹ . Polarization effects

1

¹ . spread effects

2

¹ . Myrdal, Harrison, Dwyer, Down Fored & Misra³



فدرو^۴ (۲۰۱۲) رشد نابرابری منطقه‌ای روسیه را در دهه ۱۹۹۰ برجسته نشان داده است. واندرپویی و اورگل^۵ رشد و افزایش نابرابری منطقه‌ای را در «غنا» نشان می‌دهند. کیم و وی^۶ افزایش نابرابری منطقه‌ای چین را دلیلی بر مشکلات منطقه‌ای موجود در چین و یک مانع برای توسعه آن مناطق می‌دانند.

درز و سن^۷ (۲۰۱۵) پراکندگی توسعه اقتصادی و اجتماعی میان ایالت‌های هند را از عوامل عمده فقر در این کشور می‌دانند. گزارش توسعه انسانی در ایران تفاوت منطقه‌ای گسترده‌ای را میان ۳۱ استان از نظر درجه توسعه استانی نشان می‌دهد. بر پایه این گزارش، نه تنها طبق نظریه همگرایی، عدم تعادل منطقه‌ای کاهش نیافته بلکه ضریب پراکندگی بین واحدهای تحت مطالعه نیز افزایش یافته است. امروزه اقتصاددانان طرفدار نظریه‌ی رشد متوازن در مناطق مختلف، ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح برای رسیدن به توسعه متوازن را مطرح می‌کنند و معتقدند که توسعه متعادل ناحیه‌ای، به دنبال آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم آورد، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین ناحیه‌ای و درون ناحیه‌ای را به حداقل رساند و نهایتاً از بین ببرد (بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۶۸).

پیشینه تحقیق

در این قسمت به برخی از مطالعات داخلی و خارجی که به بررسی شاخصهای توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی اقتصادی، پرداخته‌اند اشاره میشود:

4

بختیاری (۱۳۹۰)، در مقاله تحت عنوان تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، براساس تعدادی از شاخص‌های صنعتی، سطوح توسعه یافتگی صنعتی استان‌های کشور را با کمک روش تاکسونومی عددی انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت فاحشی در سطح توسعه صنعتی استانهای مختلف کشور وجود دارد.

سرزلی و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به بررسی تفسیر معنایی و روایت‌های فردی و تجربه شخصی و صاحبان حرف به منظور بررسی دلیل عدم توسعه یافتگی استان کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج نشان‌دهنده آنست که افراد مورد مصاحبه عواملی چون روحیه غیرصنعتی، مداخله‌های نهادی و دولتی، فقدان خوشه‌بندی صنعتی، سیاستهای کتاب بسته، عدم تنفیذ تصمیمات، عدم روش دانش‌بنیان، نبود روحیه تکنوکراتیک و فقدان بازار آزاد را به‌عنوان عوامل مهم و موثر بر توسعه نیافتگی صنایع این استان مطرح کرده‌اند.

اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به بررسی تنگناهای رشد در ایران با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، ضعف در تامین مالی که ناشی از ضعف در نظام بانکی کشور است، محدودیت اصلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی کشور محسوب می‌شود. ضعف در ساختار و عملکرد دولت و اشکالات موجود در نظام قضائی نیز از دیگر عوامل مهم و تاثیرگذار در موانع رشد و توسعه کشور می‌باشند.

داس و دیگران (۲۰۰۷)، نیز عواملی همچون فقدان مهارت‌های مدیریتی، کارآفرینی و بازاریابی، وجود قوانین و مقررات زائد، عدم دسترسی به دانش و اطلاعات و عدم دسترسی به منابع مالی را از جمله مهمترین موانع توسعه صنایع کوچک و

¹ . Fedrov 4
¹ . Vander Puye - Orgle 5
¹ . Kim & Wei 6
¹ . Dreze & Sen 7



متوسط هند می‌داند و اظهار می‌دارد رفع بسیاری از این موانع و محدودیتها خارج از کنترل بنگاهها بوده و باید با خط-مشی‌گذاریها و برنامه‌ریزی‌های مناسب دولتها از میان برداشته شوند.

لیود و موقان (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای به بررسی موانع توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که کمبود سرمایه، عدم تشخیص فرصتهای تجاری در بازارهای خارجی، اطلاعات محدود درباره بازارهای خارجی، ناتوانی در تماس با مشتریان خارجی، نیروی انسانی آموزش ندیده برای صادرات، از مهمترین موانع توسعه صادرات در بنگاههای مزبور در گروه کشورهای OECD می‌باشد.

بانک توسعه آسیا (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای به آسیب‌شناسی رشد صادرات تاجیکستان پرداخته و تامین مالی پرهزینه، ناکافی بودن زیرساختهای حمل و نقل، کنترل ضعیف فساد و صادرات بسیار متمرکز را از محدودیتهای اصلی برای رشد ذکر کرده‌اند.

تیهان و وان دی (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای به بررسی محدودیتهای رشد صنعت ویتنام پرداخته و تنگناهای اصلی رشد ویتنام را در ناسالم بودن فضای کسب‌وکار، نقص در زیرساختهای حمل و نقل، ضعیف بودن واسطه‌گری تامین مالی و فقدان رابطه مناسب اقتصادی میان مناطق مختلف مطرح می‌کنند.

برایت و دیزورگبو (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای به بررسی موانع رشد در کشور غنا با تأکید بر تعامل بین سیاستهای دولتی و توسعه سیاسی - اقتصادی پرداخته‌اند. آنها توسعه‌نیافتگی غنا را عمدتاً در نتیجه عدم موفقیت یا ناتوانی حاکمیت نخبگان در ایجاد اجماع سیاسی و عدم طراحی یک هدف بلندمدت توسعه که قابل قبول عموم بوده و همه ارکان جامع در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند، می‌داند. علاوه بر این به عقیده آنها، حکمرانی خوب، مدیریت اقتصادی صحیح و ایجاد نهادهای مورد نیاز توسعه از مهم‌ترین چالشهای پیش روی غنا می‌باشد که بدون توجه به آنها توسعه غنا ممکن نخواهد بود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال چیستی و چگونگی وضعیت بخشهای مرتبط با توسعه اقتصادی استان البرز و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهتر شدن وضعیت می‌باشد. بنابراین تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف در دسته تحقیقات کاربردی است. این تحقیق از یک سو به دنبال شناخت وضعیت بخشهای مختلف اقتصادی استان البرز می‌باشد و از سوی دیگر به دنبال کشف فرصتها و موانع پیش‌روی در بخشهای اقتصادی و اثرات آن بر توسعه اقتصادی استان البرز می‌باشد. اساس روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و آمارنامه‌های استوار است و از رویکرد محتوایی جهت مرور اسناد و اطلاعات استفاده شده‌است. در این تحقیق با مراجعه به سازمانها و ادارات مرتبط با متغیرهای تحقیق و همچنین با استناد به سایتها و آمارنامه‌های رسمی کشور که شناخت و تصویری از وضعیت اقتصادی استان البرز ارائه می‌دهد، داده‌های مورد استفاده استخراج، سپس با استفاده از استدلال منطقی به تجزیه و تحلیل اطلاعات و استخراج چالشها و موانع پرداخته و درنهایت با عنایت به یافته‌های حاصل شده، راهکارهایی ارائه می‌گردد.



معرفی محدوده مورد مطالعه

استان البرز در منطقه میانی رشته کوه های البرز غربی و مرکزی و در یک ناحیه تقریباً کوهستانی واقع شده است، به گونه ای که بیش از دو سوم مساحت آن را مناطق کوهستانی و کمتر از یک سوم آن را دشت ها و زمین های خشک و شورزار، تپه ها، کوه های کم ارتفاع، اراضی تراس گونه، زمین های هموار و نیمه هموار پائیکوهی و میانکوهی تشکیل داده است. بر اساس آخرین وضعیت تقسیمات کشوری در سرشماری سال ۱۳۹۵، استان البرز دارای ۶ شهرستان، ۱۰ بخش، ۱۶ شهر و ۲۲ دهستان بوده است. تعداد کل جمعیت این استان در سال مذکور، برابر با ۲۷۱۲۴۰۰ نفر و تراکم جمعیت نیز معادل ۱,۹۲۹ نفر در هر یک کیلومتر مربع محاسبه گردیده است. بدین ترتیب، پرتراکم ترین و کم تراکم ترین شهرستان های استان، به ترتیب شامل کرج با ۸۹۰,۵ نفر، و طالقان با حدود ۲۴ نفر جمعیت به ازای هر یک کیلومتر مربع هستند. همچنین بررسی ها نشان می دهد، جمعیت جوان (جمعیت واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله) استان البرز در این سال برابر با ۳۰,۶ درصد بوده است که رقمی کمتر از میانگین کشوری را به خود اختصاص داده است (اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

جدول شماره (۱): مشخصات استان البرز

شهرستان	تعداد		درصد		سهم جمعیت شهرستان های استان البرز از جمعیت کل استان
	کل	شهری	روستایی	درصد	
ساجزاد	۲۱۹۶۱۲	۱۰۲۱۵۹	۱۱۷۴۵۳	۴۶,۵	۴,۱
طالقان	۲۶۹۷۶	۲۱۱۱	۲۳۷۶۵	۱۱,۹	۱,۱
کرج	۲۰۲۴۷۶۵	۱۹۶۷۰۰۵	۵۷۷۶۰	۹۷,۱	۸۳
نظرآباد	۱۴۱۱۶۰	۱۱۱۹۹۶	۲۹۱۶۴	۷۹,۳	۳,۹
فردیس	۲۷۱۸۲۹	۲۱۳۸۹۰	۵۷۹۳۹	۷۸,۶۸	۳
اشتهارد	۲۹۹۹۳۰	۲۵۷۸۰۵	۴۲۱۲۵	۸۵,۹۵	۵
کل استان	۲۴۱۲۵۱۳	۲۱۸۴۳۷۱	۲۲۸۱۴۲	۹۰,۵	۱۰۰

(منبع: اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

یافته های تحقیق

مسائل اساسی اشتغال و کسب و کار در این استان نیز متأثر از پویایی اجتماعی- اقتصادی شکل یافته است. از مهمترین برون داده های این پویایی می توان به توسعه انفجاری جمعیتی در کرج و دیگر شهرهای استان البرز، ازدیاد جمعیت مهاجر و جوان و عموماً غیر ماهر در این استان، کسب درآمد در تهران و مصرف محدود در استان البرز، موقتی بودن اسکان در کرج و استان البرز و مهاجرت به تهران در صورت ارتقا درآمدی، افزایش قیمت زمین شهری و محدود شدن فعالیت های کشاورزی و صنعتی در استان و نیز گسترش ویلاسازی برای تفریح ساکنان تهران و نیز برخی اقشار با درآمد بالا در استان البرز اشاره کرد.



طرح تکاپو با در نظر داشتن این پویایی های سیستم کسب و کاری، اقتصادی و اجتماعی استان البرز، اقدام به جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی لازم در مورد کسب و کارها و اشتغال و نیز عرضه نیروی کار در این استان کرده است. بر اساس اطلاعات حاصل شده و تحلیل های انجام شده، اولویت های مداخله ای در کسب و کار و عرضه نیروی کار و استراتژی های مناسب توسعه ای در این استان، تهیه و تدوین شده اند. در ادامه خلاصه ای مدیریتی از نتایج حاصله ارائه شده است.

جدول شماره (۲): مهم ترین شاخص های اقتصادی استان البرز

شاخص	مقدار	رتبه در کشور
سهام از جمعیت کشور	(۲/۴ میلیون نفر) ۳.۲۱٪	۱۲
سهام بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی استان	۶٪	۳ الی ۹ متغیر
سهام بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی استان	۲۷٪	۵ الی ۱۰ متغیر
سهام بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی استان	۶۷٪	۲۱
شاخص بهبود فضای کسب و کار	۵/۶۷	۳۱
نرخ مشارکت اقتصادی	۵,۳۷٪	۱۵
نرخ با سوادگی	۹۰.۲۳٪	۲
ضریب نفوذ اینترنت	۴۶٪	۲

(منبع: اداره کل هماهنگی امور اقتصادی و بین الملل استانداری البرز، ۱۳۹۵)

7

بررسی اطلاعات بخش های اقتصادی و صنعتی استان

سهام بخش های مختلف اقتصادی استان البرز از نظر اشتغال به تفکیک هر بخش مطابق با آخرین آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۵ به شرح زیر می باشد: اشتغال بخش کشاورزی استان: ۲.۸ درصد؛ اشتغال بخش صنعت و معدن استان: ۸.۴۵ درصد؛ اشتغال بخش خدمات استان: ۵۱.۳ درصد.

در بخش کشاورزی در حالی که تنها ۲.۸ درصد از اشتغال در بخش صنعت و معدن استان البرز با اختصاص ۱۳ درصد صنایع کشاورزی و نزدیک به ۳۰۰۰ واحد صنعتی فعال از استان های برجسته صنعتی کشور است. استان البرز با دارا بودن شش شهر صنعتی به عنوان یکی از قطب های اصلی صنعتی کشور شناخته شده است. شهرک صنعتی اشتهارد بزرگ ترین شهرک صنعتی خاورمیانه است. با این وجود در حال حاضر تنها ۳۰ درصد فعالیت های صنعتی در این استان فعال است، ۴۰ درصد صنایع این استان تعطیل و مابقی نیمه تعطیل است. وجود بیش از شش شهرک صنعتی و مناطق متعدد کارگاهی، نزدیکی به پایتخت، وجود کسب و کارهای برتر و منحصر به فرد از نکات قابل توجه در زمینه صنعت در استان است. در استان البرز تولید در بسیاری از حوزه های صنعتی قابل مشاهده است، اما اطلاعات آماری و اطلاعات میدانی نشان می دهد که به طور خاص استان در حوزه فرآوری و تولید محصولات آردی، تولیدات الکترونیکی، برخی حوزه های دارویی و پزشکی، و نیز کالاها و ماشین آلات صنعتی و خودرو برجستگی ویژه ای در مقایسه با کشور دارد.

در مجموع در سال ۹۴ در استان البرز ۴۶۳ مجوز تاسیس صادر شده است که رسماً باعث اشتغالزایی حدوداً ۳۲۰۰۰ نفر گردیده است. همچنین پیش بینی سرمایه گذاری جوازهای صادره ۱۱۹۴۶۰۳ میلیارد ریال است که استان البرز با پیش-



بینی سرمایه‌گذاری ۱۲۱۰۵۶ میلیاردریال در رتبه اول قرار دارد. در رابطه با پروانه بهره‌برداری نیز سال ۹۴ در استان البرز ۲۹۱ پروانه صادر شده که باعث اشتغال‌زایی ۶۷۷۳ نفر گردیده است. از مجموع مجوزهای تاسیس و پروانه‌های بهره‌برداری استان البرز برداشت می‌گردد که بیشترین فعالیت مربوط به محصولات غذایی و آشامیدنی می‌باشد. اگر چه بایستی به این مطالب اشاره نمود که اعداد درج‌شده در جواز تاسیس و همچنین پروانه بهره‌برداری ملاک ایجاد اشتغال نمی‌باشند و در بسیاری از موارد عدد واقعی اشتغال کمتر از اعداد اعلامی است. نزدیکی و دسترسی به قطب اقتصادی از طریق منطقه ویژه اقتصادی فرودگاه پیام و وجود یکی از بزرگترین شهرک‌های صنعتی در کشور (شهرک صنعتی اشتهارد) و قابلیت ایجاد و توسعه صنایع معدنی با فناوری برتر و حساس از دیگر قابلیت‌های استان در این حوزه است. طی سال ۹۳ در حدود ۴۳ هزار تن انواع محصولات کشاورزی و صنعتی به ارزش حدود ۵۴ میلیون دلار از استان صادر شده است که در مقایسه با سال قبل به لحاظ ارزش ۱۰ درصد کاهش داشته است. سهم محصولات کشاورزی از ارزش صادرات استان ۶۹.۶ و سهم محصولات صنعتی ۳۰.۴ درصد بوده است. مهم‌ترین اقلام صادراتی بخش کشاورزی و فراورده‌های غذایی مربوط به خمیرهای غذایی پخته نشده، نباتات، ماست و رب‌گوجه‌فرنگی می‌باشد. مهم‌ترین اقلام صادراتی بخش صنعت نیز شامل کولرهای آبی خانگی، محصولات فولادی، قیر و نفت می‌باشد. وجود پتانسیل‌های معدنی مانند زغال‌سنگ، مس و سرب و روی در استان، نزدیک بودن به پایتخت و دسترسی آسان و سریع به سایر استان‌های کشور، وجود نیروهای ماهر، متخصص و فعال در سطح استان البرز و استان‌های هم‌جوار مانند تهران و قزوین از قابلیت‌های بسیار خوب استان در زمینه معدن است. هم‌اکنون ۷۴ معدن دارای پروانه بهره‌برداری و ۵۷ مجوز برداشت شن و ماسه رودخانه‌ای در استان وجود دارد که از این تعداد ۵۴ معدن فعال، ۷۳ معدن غیرفعال و ۵ معدن در حال تجهیز و آماده‌سازی کارگاه برای شروع فعالیت است. ۳.۵۱ درصد از میزان اشتغال در استان البرز متعلق به بخش خدمات می‌باشد. بیشترین مشاغل مورد تصدی حوزه خدمات مربوط به فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ساختمان و حمل‌ونقل و انبارداری است. بررسی آماری اشتغال در زیر بخش‌های صنعتی مربوط به خدمات نشان می‌دهد که استان البرز در تمامی زیر بخش‌های مرتبط با خدمات اداری تمرکز نسبی مکانی مشاغل است، بطوریکه در حوزه مشاورین املاک و کسب و کارهای مرتبط با ساختمان تا بیش از دو برابر حد معمول کشور تمرکز اشتغال در این استان وجود دارد. به طور مشابه در حوزه تحقیق و توسعه، هنر و سرگرمی، و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز استان البرز در مقایسه با کشور از تمرکز فعالیت‌ها برخوردار است (در مقایسه با نسبت جمعیتی از کشور که در استان زندگی می‌کنند، تعداد کسانی که در مشاغل مرتبط با این زیر بخش‌ها فعال هستند تا حدود ۵۰ درصد بیش از میانگین کشوری است). کل واحدهای صنفی استان البرز ۶۳۲۴۴ تعداد می‌باشد که از این میزان تعداد ۹۵۶۸ معادل ۱۵.۱ درصد صنف مربوط به رشته تولیدی، تعداد ۲۸۱۲۳ صنف معادل ۴۴.۴ درصد مربوط به رشته توزیعی و تعداد ۲۵۵۵۳ صنف معادل ۴۰.۴ درصد مربوط به رشته خدماتی می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد بیشترین واحدهای صنفی ثبت‌شده در استان البرز به صنف مشاورین املاک و خواروبار فروشان تعلق دارد. در رابطه با واحدهای صنفی خدماتی بیشترین فعالیت مربوط به رشته شغلی مشاورین املاک، در واحدهای توزیعی خواروبار فروشان و در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان پوشاک و کیک و شیرینی می‌باشند. به عنوان مثال برای تولیدکنندگان پوشاک و خیاطان بیش از ۱۰۰۰ پروانه صادر شده است که البته تعداد



زیادی از تولید کنندگان پوشاک نیز به صورت غیررسمی به فعالیت مشغول هستند. در رابطه با مشاورین املاک بیش از ۶۰۰۰ واحد دارای پروانه به ثبت رسیده است (اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان البرز، ۱۳۹۵).

شناسایی و تحلیل مناطق اقتصادی و اجتماعی استان البرز

تفاوت سیر تاریخی و وضعیت فعلی پراکندگی فعالیتها و در هم تنیدگی رشته فعالیت های اقتصادی نشان می دهد که در حال حاضر دو سیستم کسب و کاری در استان البرز (با حد قابل توجهی از همپوشانی) قابل تمایز می باشند. لازم به توجه است که هر دو منطقه در نگاهی کلان تر ولی به شیوه ای متفاوت بخشی از سیستم کسب و کاری و اقتصادی اجتماعی تحت تاثیر شهر تهران می باشند.

منطقه اول (منطقه شهری/ خدماتی کرج و حومه و مناطق شمالی استان) که حول کلانشهر کرج و نیز امتداد آن در گستره ی شمالی استان شناسایی شده است، عمدتاً حول فعالیت های خدماتی شکل یافته است. این منطقه که در برگزیده ی نزدیک به سه چهارم جمعیت استان می باشد دارای سابقه طولانی در زمینه توسعه صنعتی و کشاورزی در سطح ملی می باشد و پروژه های ویژه ی متعدد ملی در آن اجرا شده است، که از جمله میتوان به کارخانه های تولیدی متعدد با بازارهای ملی اشاره کرد. اما امروزه عمده فعالیت ساکنین این مناطق مشاغل حوزه شهری را در بر می گیرد. خدمات شامل: مشاور املاک، ساخت و ساز، گردشگری، طبیعت گردی و سرگرمی و همچنین خدمات مربوط به حمل و نقل، انبارداری و توزیع کالا می باشد. بسیاری از این خدمات به ساکنین کرج ارائه می گردد که بخش قابل توجهی از آنها برای اشتغال در مشاغل با درآمد نسبتاً بالا (در مقایسه با کشور) به تهران رفت و آمد می کنند. بنا بر آمارهای رسمی مهاجرت طی سالهای (۸۵ - ۹۰ و ۹۰ - ۹۰) مشخص است، استان البرز در رتبه نخست جریان خالص مهاجرت پذیری در سطح کشور را داشته است. از سوی دیگر نزدیکی این استان به کلانشهر تهران و همچنین گسترش مهاجرت ها به استان تهران از سایر نقاط کشور (و نیاز مردم به اسکان) منجر به آن شد تا بخش های شرقی استان البرز به محل اقامتگاهی بخشی از نیروی کار استان تهران، تبدیل شود (صادقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

علاوه بر قسمت شهری شهر کرج، حومه این شهر و نیز امتداد آن در حاشیه جنوبی رشته کوه البرز به محل تفریح و گذراندن اوقات فراغت و در نتیجه ساخت و ساز و پذیرایی از گردشگران تبدیل شده است. دامنه سلسله جبال البرز از دیرباز به دلیل آب و هوای مناسب، دروازه های جاری و پناهگاه های مطمئن، همیشه محل استقرار و سکونتگاه های موقتی و دائمی اقوام و گروه های مختلف بوده است. اما در دوران اخیر به واسطه نزدیکی به تهران و عدم سیاستگذاری مناسب برای جلوگیری از ساخت و سازهای بی رویه در مناطق خوش آب و هوا و روستایی استان (که عموماً تا پیش از این دارای مشاغل کشاورزی، دامداری و صنایع دستی بوده اند)، تغییر بافت جمعیتی و تبدیل کاربری زمین های کشاورزی و ویلاسازی به وفور گسترش یافته است. این نوع پیشروی در جابجایی کاربری هم اکنون در شهرستانهای طالقان و برقان جریان اصلی تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی را شکل می دهد. در این مناطق در حالی که عمده فعالیت اقتصادی منطقه کشاورزی، دامداری، زنبورداری و پرورش گل و گیاه بوده است، همانند الگویی که در مناطق شرقی تر و شمالی تر استان تجربه شده است، تغییر کاربری اراضی و نتیجتاً مشاغل در جریان است.



منطقه دوم (منطقه تولیدی/ صنعتی در جنوب استان) که شامل شهرستان های اشتهارد، نظرآباد و ساوجبلاغ و نیز برخی باقیمانده های فعالیت های صنعتی در منطقه اول اقتصادی استان می شود دارای همپوشانی هایی از لحاظ مکانی با منطقه اول می باشد، اما نوع کسب و کار و مسائل مبتلا به که عموماً مربوط به اشتغال صنعتی است، این منطقه را از منطقه اول اقتصادی استان منفک می نماید.^۱ نحوه توزیع صنعت در منطقه دوم بگونه ای است که میتوان آن را به دو شکل تقسیم بندی نمود. در بخش نخست، وجود پنج شهرک صنعتی دولتی و غیردولتی در منطقه زمینه مساعدی را جهت فعالیت های اقتصادی بخصوص برای سرمایه گذاران و جوانان فراهم آورده است. عمده شاغلان در این منطقه را مهاجرین وارد شده تشکیل می دهند. بطوریکه طی ۵ سال گذشته بیش از بیست هزار نفر مهاجر وارد شده است که با بررسی و مطالعه بیشترین علت مهاجرت جستجوی کار و شغل مناسب بیان گردید. در بخش دوم آن دسته از صنایعی می باشند که در حاشیه شهرک های صنعتی و اطراف محدوده منطقه دوم شکل گرفته اند. به عبارت دیگر وجود صنایع بزرگ و پیشرو در منطقه مذکور منجر به آن شده است تا به دلیل وجود سرریز ناشی از آنها برخی از صنایع خرد و کوچک در این منطقه به واسطه انجام برخی از پروژه های برون سپاری و همچنین حضور در بازار منطقه، بصورت مستقل شکل بگیرد. دسترسی به مواد اولیه مناسب و با کیفیت مهمترین علت شکل گیری صنایع بویژه صنایع تبدیلی می باشد. رب گوجه فرنگی و انواع سس های گرم و سرد و انواع ترشیجات و شوربجیات فعالیت می کند، نمونه ایی از این صنایع هستند که در کنار شرکت های بزرگ یک همگونی خاصی ایجاد کرده است. همچنین وجود محور مواصلاتی تهران قزوین به عنوان یک موقعیت منحصر به فرد استراتژیک برای کل استان باعث شکل گیری صنایع صاحب برندی همچون ماموت، مپنا، نیک کالا و ... شده است. همچنین وجود سایت کارگاهی در شهر جدید هشتگرد نیز زمینه فعالیت بنگاه های خرد را فراهم آورده است. این سایت کارگاهی دارای مساحتی حدود ۲۸۵۰۰ متر مربع می باشد و دارای ۵۰ کارگاه فعال است که حدود ۱۵۰ نفر از شهروندان شهر جدید در آن مشغول به کار می باشند.

در حال حاضر تامین نقدینگی واحدهای صنعتی و همراهی بانک ها در تامین به موقع تسهیلات مورد نیاز از اصلی ترین مسایل در رونق تولید داخلی محسوب می شوند. به همین جهت صنایع زیادی به حالت نیمه تعطیل درآمدی است. در صورتیکه با تصویب قوانین بانکی و اعطای تسهیلات می توان نقدینگی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی تامین نمود. به عنوان نمونه کارخانجات نساجی مقدم که زمانی از بزرگترین واحدهای تولیدی در منطقه محسوب می شد امروزه به علت فقدان سرمایه به حالت نیمه تعطیل درآمدی است (اداره کل هماهنگی امور اقتصادی و بین المللی استانداری البرز، ۱۳۹۵).

بررسی و تحلیل مناطق اقتصادی و کشاورزی

از مساحت کل استان معادل ۷۶۷۴۲ هکتار را اراضی کشاورزی قابل بهره برداری شامل زراعت و باغات تشکیل داده و حدود ۷۱ درصد از اراضی که معادل ۳۷۰۶۶۷ هکتار می باشد را مراتع قابل بهره برداری به خود اختصاص داده است. از لحاظ دسترسی به منابع آبی نیز استان البرز در مقایسه با سایر استان ها، وضعیت آب در عرصه کشاورزی نسبت به میانگین استان های کشور وضعیت نسبتاً بهتری داشته است. این آمار نشان می دهد که علی رغم سهم ناچیز بخش

۱- می توان سهواً (و با در نظر داشتن استثنائاتی) محور تهران- کرج- قزوین را به عنوان راهنمای تفکیک دو بخش کسب و کاری استان در نظر داشت اما این به معنای مرزبندی دقیق و فراگیری نیست و تنها برای داشتن درکی عمومی در نظر گرفته شده است.



کشاورزی بخش وسیعی از محدوده استان دارای زمین های مستعد کشاورزی (و دیگر فعالیت های نیازمند به آب و خاک مستعد) می باشد. در سال ۱۳۹۳ این استان با تولید ۱۴۸۹.۷ هزار تن محصولات زراعی، ۵.۵۲۲ هزار تن محصولات باغی و ۱۶۳۵ تن محصولات شیلاتی سهم ۳.۲ درصدی از صادرات محصولات کشاورزی از کل صادرات کشور در حوزه کشاورزی داشته است. همچنین از قابلیت های دامی این استان در سال ۹۰ می توان به تولید ۲۵.۷ هزار تن گوشت قرمز، ۵۷۷.۷ هزار تن شیر خام، ۳۴.۸ هزار تن گوشت مرغ، ۹۴.۸ هزار تن تخم مرغ و عسل به میزان ۲۵۸ تن اشاره نمود. دو نکته مهم در رابطه با کشاورزی در استان قابل ذکر است. اول و در رابطه با مستعد بودن منابع طبیعی برای کشاورزی باید توجه ویژه ای به مسئله قیمت زمین و واگذاری زمین های کشاورزی توسط کشاورزان و روی آوردن آن ها به مشاغل نظیر واسطه گری و توسعه ساخت و ساز مربوط به ویلاهای شخصی در مناطق خوش آب و هوای استان البرز (عموماً کوهپایه البرز) داشت. افزایش قیمت زمین موجب شده است که هزینه فعالیت در حوزه کشاورزی بالا رفته و در بسیاری از رشته ها به صرفه نباشد. نکته دوم در رابطه با سیاست های اشتغال زایی فارغ التحصیلان کشاورزی است که متوجه عرضه بالا و کیفی نیروی کار این حوزه در استان می باشد. یک نمونه نسبتاً موفق در این زمینه شهرک گلخانه ای (سایت هیدروپونیک) در حاشیه شهر جدید هشتگرد است که در سال ۱۳۸۱ مطرح و در دستور کار قرار گرفت. این شهرک در بخش جنوب غربی شهر و در گستره ای بالغ بر ۱۷۰ هکتار و جهت احداث ۲۱۰ پروژه حدود ۴۰۰۰ متر مربع آن به صورت مطالعات، طراحی و اجرا گردید. وسعت زمین هر گلخانه حدود ۵۰۰۰ متر مربع می باشد که حدود ۴۰۰۰-۲۰۰۰ متر مربع به صورت سالن گلخانه و با مابقی جهت استخر، اتاق کنترل، ساختمان اداری، انبار و فضای باز اختصاص دارد. متأسفانه در سال ۱۳۸۸ بخش مهمی از اراضی که مستعد پرورش و تولید محصولات گلخانه ای بود در بافت مسکن مهر قرار گرفت و این امر نه تنها باعث آسیب جدی به بخش کشاورزی گردید، بلکه میزان اشتغال ایجاد شده در این بخش را نیز تحت تاثیر قرارداد. همین رویداد نیز موید اثر مهم توسعه شهری بر کشاورزی است (اداره کل جهاد کشاورزی استان البرز، ۱۳۹۵).

تحلیل ساختار نامتوازن صنعت در استان البرز

استان البرز ۹ شهرک و ناحیه صنعتی مصوب دارد که از این تعداد فقط ۳ شهرک صنعتی در این استان به طور کامل فعال هستند. همچنین به طور متوسط ۲۱ درصد مجوزهای صادره در شهرک های صنعتی غیرفعال است. در شهرک ها و ناحیه های مصوب ۴۰ تا ۵۰ درصد زمین های واگذاری به دلایل متعدد و مختلف بدون استفاده و راکد رها شده اند. در استان البرز عمده کارگاه های صنعتی استان با شدت تمرکز زیادی در شعاع مشخصی از محور اصلی ارتباطی استان (یعنی آزادراه تهران- کرج- قزوین) و همچنین بخش های محدودی از جنوب و جنوب غربی استان (به ویژه در اطراف شهر اشتهارد و داخل شهرک صنعتی اشتهارد) مستقر شده اند و نیمه شمالی استان و بخش های زیادی از غرب، جنوب و برخی از پهنه های مرکزی استان تقریباً خالی از هرگونه کارگاه صنعتی است. شهرستان کرج به تنهایی ۳۶/۲ درصد از کل اشتغال صنعتی استان را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که شهرستان طالقان سهم ناچیز ۰/۴ درصدی و شهرستان نظرآباد نیز سهمی ۹/۳ درصدی از اشتغال صنعتی استان را دارا هستند. شهرستان های ساوجبلاغ و اشتهارد به



ترتیب ۰۳/۱ و ۲۴ درصد از کل اشتغال صنعتی استان، میزان‌های مشابهی را به نمایش می‌گذارند. لازم به تذکر است که این نسبت‌ها به شدت تحت تأثیر سهم جمعیتی شهرستان‌های مختلف از کل جمعیت استان است. در حال حاضر از جمله دیگر موضوعات مهم در توسعه صنعتی استان، بحث تمرکززدایی و ضرورت ارتباط توسعه صنعتی با اهداف توسعه استان است. بر این اساس استان به پالایش صنعتی به منظور کاهش کارخانجات و کارگاه‌های آلاینده، آب‌بر، انرژی‌بر و بدون مزیت تکمیل زنجیره ارزش افزوده صنعتی نیاز دارد. همچنین انتقال کارگاه‌های شهری به شهرک اصناف در ماهدشت و زیبادشت و سایر شهرک‌ها و نواحی صنعتی نیز به منظور کاهش فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی در منطقه کلان‌شهری کرج از دیگر نیازهای استان است. از دیگر ضعف‌های استان در این زمینه می‌توان به ضعف‌های قانونی در احداث صنایع جدید خارج از شهرک‌های صنعتی و تغییر کاربری‌های اراضی کشاورزی و واجد ارزش‌های زیست‌محیطی به کاربری‌های شهری، صنعتی و خدماتی در نواحی اطراف شهرها اشاره کرد. همچنین با توجه به اینکه دفاتر مرکزی کارخانجات استان در تهران قرار دارد، مالیات و عوارض خود را به تهران پرداخت می‌کنند و حساب‌ها و خط اعتباری خود را در بانک‌های شهر تهران حفظ کرده‌اند و این موضوع موجب گردیده که استان البرز کمترین درآمد را از کارخانجات خود داشته باشد (وحید، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

از جمله چالش‌های دیگر استان در زمینه شهرک‌های صنعتی، عدم برخورداری از سیستم تصفیه‌خانه است. برای مثال با توجه به بیابانی بودن منطقه اشتهارد و جلوگیری از بیابان‌زایی این شهرک به تصفیه‌خانه نیازمند است. در شهرک‌های صنعتی کشور معمولاً آب مورد نیاز برای کاشت درخت و ایجاد فضای سبز از طریق پساب واحدهای صنعتی تأمین می‌شود که در اشتهارد به علت کثرت واحدهای آلاینده، گاهی این آب قابل استفاده نیست و این مسئله همکاری و الزام صنایع را برای تصفیه آب‌های خروجی می‌طلبد (اکبرزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۸).

شناسایی و تحلیل مناطق اقتصادی و گردشگری

تنوع ارتفاعی و اقلیمی استان البرز در کوچک‌ترین سطح استانی کشور، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد استان البرز است. بر این اساس، تعریف هر نوع فعالیت گردشگری تا حد زیادی وابسته به شرایط طبیعی آن است که می‌توان در یک فصل از کوه‌نوردی در قله بالای ۴۰۰۰ متر ناز و کلون بستک و پالون گردن و اسکی در پیست‌های دیزین و خور تا شترسواری در کفه شوره‌زار و کویرنوردی در نجم‌آباد بهره برد. همچنین تمام رود دره‌های شمالی استان واجد ارزش گردشگری است. بناها و محوطه‌های تاریخی آتشگاه و قلعه و کاخ تابستانی که از ارتفاعات طالقان و شهرستانک تا دشت و شهرهای استان به چشم می‌خورد هم فرصت مناسب برای توسعه گردشگری تاریخی و فرهنگی و مذهبی است. توسعه گردشگری شهری و هم به عنوان یک عامل هویت‌زا می‌تواند در تعریف هویت و پیشینه فرهنگی مشترک استانی مؤثر افتد. استان البرز به خوبی توانسته است از مزیت مهاجرپذیر بودن خود استفاده کند و صنایع دستی اقصی نقاط کشور را تولید کند. ۳۵۰۰ کارگاه صنایع دستی در ۷۰ رشته فعال در سطح استان وجود دارد. از جمله مشکلات استان در زمینه گردشگری و میراث فرهنگی می‌توان به عدم تخصیص بودجه تعیین شده به سازمان میراث فرهنگی، تغییر در حوزه آبریز



کرج به چالوس و طالقان، عدم تدوین سند گردشگری، عدم عملیاتی شدن مصوبه جلوگیری از آلودگی آب شرب در استان و ضعف در زیرساخت های صنعت گردشگری استان به علت نزدیکی به تهران میتوان اشاره کرد (کلانتری، ۱۳۹۰: ۸۶).

نتیجه گیری

از آنجایی که امروزه صنعت، نقش عمده ای را در تولید و اشتغال بر عهده دارد و همزمان بخش عمده ای از صادرات را نیز به خود اختصاص داده و در عین حال ورودی سایر بخش های اقتصاد را نیز فراهم می سازد، لذا نمی توان اهمیت و نقش صنعت در اقتصاد را نادیده گرفت. ممکن است در ابتدای امر این گونه تصور شود که با گسترش صادرات مواد معدنی و منابع طبیعی مانند نفت، درآمدها افزایش پیدا کرده و سطح زندگی و رفاه جامعه نیز افزایش یابد، اما واقعیت آن است که در بلندمدت برای حفظ روند رشد به صورت پایدار، به طور قطع اقتصادی مبتنی بر یک صنعت پویا مورد نیاز است.

بنابراین، سطح بندی ها نشان می دهد که پراکنش خدمات عمومی به لحاظ شاخص های مورد بررسی در شهرستان های البرز، نابرابری فضایی دارد و این عدم تعادل برآیند عوامل مختلف اکولوژیک، اقتصادی، سیاسی و غیره است. شهرستان - کرج به دلیل داشتن مرکزیت سیاسی و تمرکز خدمات و امکانات در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قطب رشد بودن آن، در زمینه ی برخورداری از شاخص های مورد بررسی، جاذب جمعیت بوده است و این امر عاملی بر تراکم بیشتر جمعیت در این شهرستان است؛ از این رو خدمات ارائه شده نیز متناسب با جمعیت نبوده و نسبت به آن کمتر است. چنانچه، بررسی های انجام شده با ضریب همبستگی پیرسون نشان داد رابطه ی معناداری بین پراکنش جمعیت و خدمات عمومی وجود ندارد؛ یعنی هرچقدر شهرستان ها، در توزیع خدمات رتبه ی بالاتری به دست آورند، با پراکنش جمعیت بی ارتباط هستند؛ بنابراین، برقراری ارتباط صحیح و منطقی بین خدمات و جمعیت تا حد زیادی امر خدمات رسانی را آسان کرده و در رفع عدم تعادل موجود کمک شایانی خواهد کرد.

در نهایت، بر اساس نتایج یافته ها، میتوان گفت که تعادل بین جمعیت و امکانات در بین نظام های ظرفیت استان برقرار نبوده و پراکنش خدمات عمومی متناسب با رویکرد عدالت محور نیست و شایسته است برای حل این معضل، در راستای سیاست های عدالت محوری و رفع محرومیت زدایی، بر اساس مطالعات جامع، مناطق را بر اساس اصول و مدل های نوین دسته بندی کرده و یک نظام سلسله مراتب خدمات رسانی حاکم کرد تا بتوان در توزیع امکانات، خدمات و تسهیلات عدالت را رعایت کرد. با مرور و بررسی اسناد و آمارهای موجود در ارتباط با بخش های اقتصادی استان، در نهایت در تحقیق حاضر چالشها و موانع پیش روی در ارتباط با توسعه اقتصادی با تأکید بر عامل صنعت ارائه می گردد و سپس با در نظر گرفتن چالشها و موانع پیش روی و واقعیتها موجود در استان راهکارهای در راستای توسعه اقتصادی استان پیشنهاد می شود.

فرصتهای موجود در استان بدین صورت می باشد:

- دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی، درمانی، نیروهای انسانی؛
- وجود جاذبه های گردشگری طبیعی و منحصر به فرد؛
- دارا بودن خاک حاصلخیز و خاکداری بودن بیش از ۷۰ درصد از اراضی؛



- وجود منطقه ویژه اقتصادی فرودگاه بین المللی پیام در این استان و نقش آن در صادرات محصولات به سایر- کشورها؛
- وجود مراکز تحقیقاتی و پژوهشی فراوان در استان البرز در زمینه بایوتکنولوژی و نانو؛
- استقرار صنایع استراتژیک و بزرگ؛
- وجود مراکز علمی و آموزشی عمده کشاورزی کشور در این استان؛
- وجود زمینه لازم برای تولید غذای سالم و ارگانیک؛
- استقرار تقریباً ۱۳ صنایع کشور در استان و دارا بودن چندین شهرک صنعتی دولتی و خصوصی
- واقع شدن شاهراه های ارتباطی؛
- سهل الوصول بودن به فرودگاه های بین المللی از جمله فرودگاه های امام خمینی، مهرآباد، پیام و فرودگاه خصوصی آزادی؛
- دسترسی به جمعیت ساکن در تهران و تامین سرمایه گذاری از نظر جمعیت مصرف کننده؛
- دارا بودن تنوع قومی و نیروهای متخصص و کارآمد؛
- امکان ایجاد و توسعه زیرساخت های اقتصادی؛
- وجود انواع معادن شن و ماسه در استان؛

چالشها و موانع پیشروی در استان در جهت توسعه اقتصادی (با تأکید بر بخش صنعت) به شرح زیر

می باشد:

- کمبود امکانات زیرنمایی با توجه به جمعیت استان؛
 - کمبود نقدینگی مشکلات مالی واحدهای مالی تولیدکننده؛
 - وجود واحدهای تولیدی نیمه فعال در استان؛
 - کمبود آمار و اطلاعات استان در بخشهای مختلف اقتصادی؛
 - نامساعد بودن فضای کسب و کار؛
 - صدور مجوز احداث بی رویه و بدون مطالعه واحدهای ناکارآمد با فعالیت مشابه در استان؛
 - روانه شدن مانع بانکی به شرکتهای سرمایه گذاری بانکها به جای تزریق به واحدهای تولیدی.
- با توجه به موارد مذکور در نهایت راهکارهای برای توسعه اقتصادی استان البرز با تأکید بر بخش صنعت ارائه می گردد:
- تلاش در جهت تمییز و تشخیص علت و معلولها در بخش کشاورزی که این امر خود در درمان موثر بسیار ضروری و مفید است؛



- موضوع بهینه سازی شرایط آبرسانی که بخش عمده ای از هدر رفت آب را شامل می شود؛ به طور جدی در دستور کار متولیان امر قرار گیرد. در این راستا نوسازی و بهسازی لوله های آبرسانی و استفاده از تجهیزاتی که بتواند موارد نشتی آب را در لحظه نشان دهد یکی از این راهکارها تلقی می شود؛
- با توجه به اهمیت و نقش کلیدی خاک در پایداری تولید کشور، توصیه می شود موضوع عوامل موثر بر فرسایش خاک و برنامه های کنترل خاک بیشتر از گذشته و به صورت دائمی در برنامه های مربوط به رونق تولید قرار گیرد؛
- استفاده از روش های کنترل فرسایش خاک نظیر کنترل پوشش گیاهی در مراتع و آبراهه ها، استفاده از بقایای گیاهی و مالچ پاشی، تناوب گیاهی، بندها، شیب شکن ها، تراس بندی، بادشکن ها، کشت روی خطوط کنتری و کشت نواری با توجه به اقلیم و پتانسیل های موجود در منطقه می تواند راهکار مفیدی در این راستا باشد؛
- توصیه به استفاده از شیوه های نوین آبیاری با توجه به محدودیت های فنی، همچنین نیاز به متمرکز بودن الگوی کشت و یکپارچگی اراضی در مسیر اجرایی شدن قرار گیرد؛
- توصیه به الگوی کشت مشخص با بهبود شبکه های آبیاری، بهبود وضعیت مکانیزاسیون و ارتقای ژنوتیپ و فنوتیپ بذور همراه شود؛
- توصیه به استفاده از الگوی کشت پیشنهادی با تضمین ایجاد بازار و به تبع تبیین درآمد و سود انتظاری برای کشاورزان همراه شود؛
- استفاده از ظرفیت بازار بورس محصولات کشاورزی برای کاهش مسیر بازررسانی و شفاف سازی و ثبات قیمت ها؛
- با توجه به پراکندگی مناطق تولید، همچنین متفاوت بودن فصل برداشت محصولات، توصیه می شود به جای اتکای به صنایع تبدیلی ساکن و ایستا از تکنولوژی هایی که امکان استفاده از صنایع تبدیلی را به صورت سیار فراهم آورد، استفاده شود؛
- با توجه به اینکه ۹۳ درصد از تولید بخش کشاورزی در زمین های کمتر از ۱۰ هکتار صورت می گیرد. از این رو به نظر می رسد ضریب نفوذ فناوری در چنین شرایطی به جز مواردی از قبیل اصلاح بذر یا شیوه های آبیاری به سختی صورت پذیرد، از این رو اقدامات فرهنگی یا اعطای امتیازات و تسهیلات برای تجمیع و انجام فعالیت های گروهی ضروری به نظر می رسد. ملاحظات مربوط به قانون ارث به عنوان یکی از موانع تجمیع اراضی نیازمند اقدامات فرهنگی وسیع و عمیق است که باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد؛
- کاهش ضایعات محصولات کشاورزی نیازمند اصلاح ساختار تولید این محصولات از باغ و مزرعه تا انبار و سپس حمل و نقل و بازررسانی و در نهایت مصرف کننده خواهد بود. بالا بردن دانش فنی تولیدکنندگان، انبارداران، مسئولان میادین میوه و تره بار، خرده فروشی ها و در نهایت مصرف کنندگان گامی موثر در این راستا است. تلاش برای کنترل ضایعات از طریق مراقبت های مرحله داشت محصولات و ملاحظات پس از برداشت از قبیل



- سیستم های بسته بندی جدید، انبارداری صحیح (شامل کلیه عملیات طی انبارداری) و بالاخره حمل و نقل صحیح از مهم ترین راهکارهای موجود هستند که تا حد قابل توجهی میزان این ضایعات را به حداقل می رسانند؛
- استفاده از برنامه های آگاه سازی و آموزش تولیدکنندگان و مصرف کنندگان برای کنترل و کاهش ضایعات محصولات غذایی و کشاورزی؛
- اقدامات لازم برای بهبود فرآیند توسعه روستایی با رویکرد بهبود بهره وری نیروی کار و جلوگیری از مهاجرت کشاورزان. در این راستا اقداماتی نظیر توسعه گردشگری روستایی و ایجاد زیرساخت های مناسب و تقویت جاذبه های روستایی می تواند انگیزه ماندگاری در روستا و استفاده از ظرفیت های کشاورزی را رشد دهد و زمینه بهبود بهره وری سایر نهاده ها را نیز فراهم آورد؛
- پالایش جوازهای تأسیس صادره به منظور پرهیز از توسعه واحدهای جدید فاقد مزیت و تأکید بر احیا، ارتقای فعالیت صنعتی موجود در استان؛
- تهیه طرح جامع حمل و نقل استان البرز و طرح احداث خط آهن کرج، فرودگاه پیام، ماهدشت و اشتهارد و اتصال به بویین زهرا و خط سراسری در تاکستان، با توجه به تراکم صنعتی موجود و شهرک های صنعتی در حال توسعه؛
- تأکید بر اجرایی شدن آیین نامه شهرک های صنعتی به طور کامل. بر اساس آیین نامه اجرایی شهرک های صنعتی، اگر واحدهای صنعتی واقع در شهرک های صنعتی تا ۲ سال ساخته شوند، مشمول تخفیف خواهند شد، اما اگر طی ۵ سال ساخته نشوند، لازم است بازپس گرفته و به کسانی که می توانند تولید کنند، واگذار شود.
- تلاش در جهت بومی نمودن سرمایه گذاری های صنعتی و کاهش خروج ارزش افزوده آن ها از استان با توجه به نزدیکی
- الزام واحدهای صنعتی جدید و اعمال تمهیدات لازم برای انتقال تدریجی واحدهای موجود به شهرک ها و نواحی صنعتی تعیین شده.
- اعطای و تمدید معافیت ها و سایر مشوق های لازم برای گسترش صنایع پاک (جدید و موجود).
- توسعه خوشه صنعتی و تکمیل زنجیره ارزش افزوده صنایع ساخت خودرو و ماشین آلات.
- تأسیس کلینیک های درمان صنعت در شهرک های صنعتی استان؛
- تشویق و هدایت واحدهای تولیدی به سمت دانش بنیان شدن و بهره مندی از تسهیلات موجود؛
- تدوین و تصویب قانون مربوط به محل تولید به عنوان محل قانونی شرکت به حوزه مالیاتی؛
- ایجاد بازارچه دائمی برای محصولات صنایع دستی با توجه به حجم تولیدی؛
- تهیه طرح جامع گردشگری؛
- تهیه بانک اطلاعاتی قوی از تمامی آثار و بناهای استان، شناسایی مشکلات هر یک و سعی در مرمت اصولی آن ها؛



منابع

- ایجاد اطلس گردشگری و معرفی درست آثار و رویدادهای مربوط به صنعت گردشگری استان؛
 - برنامه ریزی برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه ی زیرساخت ها و رفع موانع اداری.
- منابع
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان البرز، www.alborzccim.ir، ۱۳۹۵.
 - اداره کل جهاد کشاورزی استان البرز، www.alborz.maj.ir، ۱۳۹۵.
 - اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان البرز، www.alb.mimit.gov.ir، ۱۳۹۵.
 - اداره کل فنی و حرفه ای استان البرز، www.alborztvto.ir، ۱۳۹۵.
 - اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان البرز، www.mehrnews.com، ۱۳۹۵.
 - اداره کل هماهنگی امور اقتصادی و بین الملل استانداری البرز www.alborz.ir، ۱۳۹۵.
 - اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران، www.amar.org.ir، ۱۳۹۵.
 - سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان البرز www.alborz.mporg.ir، ۱۳۹۵.
 - اکبرزاده، امین؛ پهلوانی، مصیب؛ میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۷)، مدیریت توسعه و رشد اقتصادی در ایران، تحلیل بر تنگناهای رشد با رویکرد داده بنیاد، پژوهش های مدیریت عمومی، دوره ۱۱، شماره ۴۲.
 - بختیاری، صادق (۱۳۹۰)، تحلیل مقایسه ای از توسعه صنعتی استان های مختلف کشور، مجله پژوهش های بازرگانی، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۸۶-۱۵۷.
 - بختیاری، صادق؛ دهقانی، مجید (۱۳۹۲)، نقش فعالیت های صنعتی در توسعه اقتصادی رهیافت مدل داده- ستانده (مناطق شهری)، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۵۹-۷۹.
 - تقدیسی، احمد؛ حجاربان، احمد (۱۳۹۵)، توزیع فضایی شاخص های صنعتی در استان های کشور با استفاده از مدل ضریب ویژگی، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۱، صص ۱۶-۳۳.
 - زالی، نادر؛ سجادی، سیدعلی (۱۳۹۶)، شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه نیافتگی منطقه ای (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۷، شماره ۲۶.
 - الیاسی سرزلی، فاضل؛ پڑهان، علی؛ موسایی، میثم (۱۳۹۶)، تفسیر معنایی توسعه نیافتگی استان کرمانشاه با تأکید بر دیدگاه صاحبان شرکتها و کارگاه های شهرک های صنعتی این استان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۲۷.
 - صادقی، احمد؛ سعیدی، مهران (۱۳۹۴)، شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی اقتصاد ایران از دیدگاه خبرگان با استفاده از روش تلفیقی تصمیم گیری آزمون و خطا و فرایند تحلیل شبکه ای فازی، فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء، دوره ۲، شماره ۵.
 - قره باغیان، مرتضی (۱۳۹۰)، اقتصاد رشد و توسعه، چاپ ۱۳، تهران: نشر نی.
 - کلانتری، خلیل (۱۳۹۰)، برنامه ریزی توسعه منطقه ای (تئوری ها و تکنیک ها)، چاپ ۱، تهران: انتشارات خوشبین.



- وحید، مجید (۱۳۹۱)، بررسی فرایند شکل گیری و قرارگیری مشکل در عرصه عمومی و دستور کار سیاست-گذاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، شماره ۱.

- Fedrow, L. (2012), Regional inequality and regional polarization on Russia, 1990-99, *World Development*, 30-(3): 443-456.
- Dreze, J. & A. Sen (2015), *India: economic development and social opportunity*, Oxford University Press.
- Bright, Dan. S, Dzorgbo (2017). *Ghana in search of development*, London, Routledge.
- Thanh, N, Van Dai, P. (2016) *Economic growth constraints in Vietnam: a study using the growth diagnostic approach*, Vietnam Institute for Economic and Policy Research, Hanoi, Vietnam, 18, 234.
- Bright, Dan, S, Dzorgbo (2017) *Ghana in search of development*, London, Routledge.
- Lloyd-Reason, L. and Mughan, T (2008) *Removing Barriers to SME Access to International*, A Joint OECD/APEC Project, USASBE, 2008 Proceedings.
- Das, B, Shil, C, Pramanik, K. (2007) *Strengthening SMEs to make export competitive*, MPRA Paper 7800, Germany: UniversityLibrary of Munich.
- Thanh, N, Van Dai, P. (2016) *Economic growth constraints in Vietnam: a study using the growth diagnostic approach*, Vietnam Institute for Economic and Policy Research, Hanoi, Vietnam, 18, 234.



Economic development capabilities from the perspective of industry in Alborz province

Abstract

The purpose of this article is to review the strategies of industrial development in Alborz province in the fields of agriculture, industry and mines, tourism and provide appropriate solutions according to the strengths and weaknesses of industry to expand each of these economic developments. Descriptive-analytical and in terms of purpose is a type of applied research and the method of collecting information is library type and review of documents and statistics and the content approach is used to review documents and information. Findings have shown that according to the solutions presented in this article, there is scalability capacity in the industry of Alborz province.

Keywords: Economic Development, Industry, Agriculture, Tourism, Alborz Province